

۱۲۸ ۵۰۳



ترور بسم و بیوترور بسم

(در آئینه اسناد بین المللی)

قاسم رنجبر

صمد رفعت نژاد

زمستان ۱۳۹۴

سرشناسه: رنجبر، قاسم، ۱۳۵۹

عنوان و نام پدیدآور: تروریسم و بیوتروریسم (در آیین اسناد بین المللی) قاسم رنجبر، صمد رفعت نژاد.

مشخصات نشر: تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۷۶-۳۵-۵: ۱۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

شناسه افزوده: رفعت نژاد، صمد، ۱۳۵۹

شناسه افزوده: دانشکده علوم و فنون فارابی

رده بندی شنگر: ۱۳۹۴ ۸/۹/ت RC

رده بندی دیویی: ۳۴۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۳۵-۴



انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی

نام کتاب: تروریسم و بیوتروریسم (در آیین اسناد بین المللی)

مؤلف: قاسم رنجبر- صمد رفعت نژاد

ویراستار علمی: مجتبی درفشان- علی افشار

مدیر اجرایی: علی افشار

تنظیم: حسین حجت الاسلامی

طرح جلد: علیرضا قلیچ خانی

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر و نسخه برداری برای ناشر محفوظ است. (نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است).

تلفن ناشر: ۲۹۹۴۳۶۵۸ صندوق پستی: ۴۵۷۳-۱۹۳۹۵

فهرست مطالب

ج	پیشگفتار
۱	مقدمه
۱	فصل اول: تروریسم
۱	مفهوم شناسی تروریسم
۳	تعاریف وجود از تروریسم
۷	گونه شناسی تروریسم
۱۱	تفاوت های جنگ و تروریسم
۱۱	۱ مفهوم جنگ:
۱۱	مفهوم تروریسم
۱۵	فصل دوم: بررسی ترتیبات سیاسی بین المللی مقابله با تروریسم
۱۵	زمینه های شناختی
۲۰	مجمع عمومی سازمان ملل متحد
۲۲	شورای امنیت
۲۴	سازمان های منطقه ای
۲۵	کنوانسیون های جهانی
۲۷	فصل سوم: مفهوم شناسی بیوتروریسم
۲۸	مهم ترین ویژگی های تروریسم جدید
۳۰	مفهوم بیوتروریسم
۳۰	پیشینه تاریخی استفاده از عوامل بیولوژیک
۳۳	بازشناسی تفاوت ها و شباهت های جنگ بیولوژیک و بیوتروریسم
۳۶	گونه شناسی عوامل بیولوژیک
۴۲	بازشناسی ابعاد بیوتروریسم و تروریسم نوین

۴۴	استفاده از عوامل بیوتکنولوژیک به‌عنوان سلاح جنگی
۴۵	استفاده از عوامل بیوتکنولوژیک برای تخریب
۴۸	تروریسم کشاورزی
۵۱	فصل چهارم: کفایت یا عدم کفایت اسناد موجود برای مقابله با بیوتروریسم
۵۱	همکاری در روابط بین‌الملل
۵۴	بررسی بیوتروریسم در اسناد بین‌المللی
۵۸	مبارزه با بیوتروریسم در سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن
۶۰	شورای امنیت
۶۱	مجمع عمومی
۶۱	استراتژی جهانی مقابله با تروریسم
۶۲	پلیس بین‌الملل و بیوتروریسم
۶۷	فصل پنجم: کفایت کنوانسیون منع جنگ‌افزارهای زیستی برای مقابله با بیوتروریسم ۶۷
۶۷	وجوب مقابله با بیوتروریسم
۶۷	بیوتروریسم و حقوق بشر
۷۰	بیوتروریسم و امنیت انسانی
۷۴	بیوتروریسم و حقوق بشردوستانه
۷۶	تشریح کنوانسیون منع جنگ‌افزارهای زیستی
۸۰	قلمرو کنوانسیون
۸۵	دلایل کفایت کنوانسیون منع جنگ‌افزارهای زیستی برای مقابله با بیوتروریسم
۸۹	فصل ششم: نتیجه‌گیری
۹۵	منابع و مأخذ

پیشگفتار:

در مطالعه سیاست بین‌الملل و مسائل امنیتی، نظریه‌های مختلفی مطرح است، واقع‌گرایی، نوواقع‌گرایی، لیبرالیسم نهادگرا، لیبرالیسم کلاسیک، مکتب کپنهاک، سازه‌نگاری و پسا اثبات‌گرایی، نظریه‌های برجسته در مطالعات امنیتی هستند که هر کدام در درون خود گرایش‌ها و نظریه‌های دیگر دارند.^۱ هر کدام از این نظریه‌ها به دلیل پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه، نظریات متفاوتی در مورد مرجع امنیت، سرشت تهدیدات، بازیگران، کلیدی عرصه امنیت بین‌المللی، متغیرهای اصلی در بروز تهدید، رفتار مورد انتظار از کنشگران، روش و چارچوب‌بندی و مفهوم‌سازی از امنیت دارند.^۲

مطالعه مسائل امنیتی به‌عنوان یکی از اجزای محوری نظریه روابط بین‌الملل از ماهیتی میان‌رشته‌ای برخوردار است زیرا علاوه بر مسائل نظامی و سیاسی، مسائل تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و روانی را هم در برمی‌گیرد. آنچه توجه محققان را به‌طور بی‌سابقه به‌سوی مطالعه مسائل امنیتی جلب کرد، پیدایش سلاح‌های هسته‌ای و تبدیل ایالات متحده به قدرتی جهانی پس از جنگ جهانی دوم بود در اثر این امر، تحلیل‌های نظری اساسی صورت گرفت تا یک چارچوب استراتژیک برای وارد کردن سلاح‌های هسته‌ای به جرگه سایر ابزارهای کشورداری و سیاست امنیت ملل ایجاد شود، این امر به پیدایش متون بسیاری درباره ماهیت بازدارندگی و شرایط لازم برای بازدارندگی از بروز جنگ میان دارندگان سلاح‌های هسته‌ای منجر شد.^۳

مطالعات امنیتی شاخه فرعی روابط بین‌الملل است که به تبیین مفهوم امنیت، اعمال آن در سیاست‌گذاری خارجی و پیامدهای آن بر ساختارها و فرایندها در

^۱ محمود یزدان‌فام، دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸ (۱۳۸۶)، ص ۷۲۹.

^۲ همان، ص ۷۲۹.

^۳ جیمز دوئرثی و رابرت فالترگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طبیب (تهران: نشر قومس، چاپ پنجم، ۱۳۸۸) ص ۵۹۶-۵۹۹.

سیاست جهانی می‌پردازد.^۱

وقوع دو جنگ جهانی طی یک نسل و امکان بروز جنگ هسته‌ای، ایجاد نظم بین‌المللی و حفظ صلح جهانی را برای تمدن بشری به مسئله بسیار مهمی تبدیل کرده است، نفرت از جنگ به‌عنوان مصیبتی بزرگ همیشه وجود داشته است و در راه ایجاد صلح و امنیت بین‌الملل به‌ویژه از قرن هجدهم به بعد تلاش‌های زیادی انجام گرفت. خاستگاه اخلاقی این تلاش‌ها برای ایجاد نظم بین‌المللی باثبات و مسالمت‌آمیز را باید در افزایش انسانیت و ماهیت متمدن روابط انسانی جستجو کرد.^۲

اگرچه جنگ از دگاه اخلاقی مورد تشویق و حمایت سیاستمداران و نویسندگان قرار نگرفته و بافتن را از یک افروزی یاد نشده است، اما تا آغاز قرن بیستم جنگ به‌عنوان یک ابزار موجه در سیاست خارجی مورد پذیرش بوده و حتی گروه قابل توجهی از متفکران و نویسندگان، جنگ را «دیپلماسی از طریق دیگر» می‌نامیدند. در این دوران اصول و قواعد اخلاقی در مورد جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه تدوین و از سوی نویسندگان به‌ویژه نویسندگان وابسته به کلیسا ارائه شده بود، اما جنگ به‌عنوان ابزار پیشبرد اهداف و حفظ توازن قوا در نظام بین‌المللی در سیاست خارجی تا آنجا مطرح بود که توانایی اقدام به جنگ به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شناسایی حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌گردید و حقوق‌دانان جنگ و اقدام به آن را «امتیاز ویژه حاکمیت» قلمداد می‌کنند.^۳

گسترش دامنه و افزایش هزینه جنگ‌ها از یک‌سو و ناتوانی دولت‌ها در محدود ساختن ابعاد انسانی، سیاسی و جغرافیایی جنگ‌ها از سوی دیگر که بایده‌ای تحت

^۱ گراهام ایوانز و جفری نونام، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی (تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱)، ص. ۷۵۱

^۲ هانس جی مورگنتا، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۴)، ص. ۶۳۰

^۳ محمد جواد ظریف، سید محمد کاظم سجادیپور، دیپلماسی چندجانبه کاربردی، انتشارات وزارت امور خارجه تهران،

عنوان «جنگ تمام‌عیار انجامید» در جنگ جهانی اول تبلور یافت و کارایی جنگ به‌عنوان ابزار دیپلماسی مورد تردید جدی متفکران و سیاستمداران در جامعه بین‌المللی قرار گرفت. همزمان ناکامی آغازکنندگان جنگ از دستیابی به اهداف خود از طریق جنگ و حساسیت پدیده نسبتاً جدید افکار عمومی نسبت به عواقب انسانی جنگ موجب مخدوش شدن کارآمدی و مشروعیت آن به‌عنوان ابزار سیاست گردید تا جایی که دولت‌ها رسماً در سال ۱۹۲۸ در پیمان بریان کلوگ^۱ جنگ را برای نخستین بار در تاریخ معاصر غیرقانونی اعلام کردند.^۲

توجه به تحول روابط و حقوق بین‌الملل که نهایتاً منجر به ممنوعیت جنگ گردید، دیدگاه‌های سیاسی و حقوق متفاوتی در مورد تسلیحات در چارچوب جلوگیری از جنگ و نه الزامات جنگی مطرح شد. بر این مبنا دو تفکر اساسی در حوزه تسلیحات نمود یافت که به‌رغم گذشت بیش از ۶۰ سال از تدوین منشور ملل متحد و پایان جنگ جهانی دوم، کماکان ادبیات روابط بین‌الملل و علوم سیاسی را به خود اختصاص داده است.^۳ تفکر نخست، دیدگاه بازدارندگی^۴ بر پایه انباشت تسلیحات و تفکر دوم که دیدگاه متعارض است معتقد است که انباشت تسلیحات به بی‌اعتمادی میان دولت‌ها دامن زده و رقابت تسلیحاتی^۵ را تشدید می‌نماید. هرچند طرفداران و دیدگاه برای اثبات مدعای خود دلایل گوناگونی ارائه می‌نمایند اما نکته مهم و مؤثری که از این رهگذر برداشت می‌گردد مسئله حاکمیت^۶، ضرورت احترام به حاکمیت ملی کشورها و جلوگیری از مداخله در امور داخلی آن‌ها است.

^۱ Kellog-Berian Pact

^۲ همان، ص ۵۱۴.

^۳ همان، ص ۵۷۵.

^۴ Deterrence

^۵ Arm race

^۶ Sovereignty

دیپلماسی کنترل تسلیحات و خلع سلاح^۱ قبل از پرداختن به رفتار بین‌المللی کشورها ناگزیر از توجه به نحوه تولید و انباشت سلاح‌ها در مرزهای کشورهاست. چراکه پرداختن به رفتار بین‌المللی کشورها درواقع توجه به نتایج انباشت تسلیحاتی به صورتی دیر هنگام است که در بسیاری موارد نقض غرض محسوب می‌شود به عبارت دیگر، هدف تلاش‌های بین‌المللی از خلع سلاح و کنترل تسلیحات ایجاد اعتماد از طریق ارائه اطمینان از عدم انباشت تسلیحات بوده تا مانع از رقابت تسلیحاتی بر اساس حدس و گمان از توانمندی رقیب و تبعات آن شود.^۲

تاریخ مذاکرات ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، به‌طور عام به ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، اما نابودی سلاح‌های کشتار جمعی به معنای امروزی آن به ۱۰۰ سال قبل می‌گردد. اولین نشانه مربوط به اعمال ممنوعیت استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک، در اعلامیه «۱۸۶۸ سن پترزبورگ» مشاهده شد. ادامه این تلاش‌ها در اعلامیه «۱۸۷۴ بروکسل» و «۱۸۹۸ لاهه» نیز مشهود است؛ اما هیچ‌یک از این اعلامیه‌ها منجر به تنظیم معاهده‌ای نشده‌اند. در سال ۱۹۰۷ تلاش در زمینه تنظیم اولین معاهده بین‌المللی خلع سلاح شیمیایی به ثمر رسید. پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، موضوع کنترل و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی یکی از بحث‌های اصلی بود. از جمله مسائلی که در ارتباط با نیل به اهداف روتکل ۱۹۲۵ ژنو در اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح گردید، موضوع چگونگی بررسی دو نوع سلاح شیمیایی و میکروبی بود و متعاقب این مباحثات، توافق به عمل آمد که هر دو موضوع می‌بایست به‌طور مستقل مورد عمل قرار گیرد و از این‌رو بود که مذاکرات مربوط به سلاح‌های

^۱ منظور از دیپلماسی خلع سلاح، اقدامات دیپلماتیک جهت شفافیت تسلیحاتی و تنظیم (ممنوعیت یا محدودیت) یا امحاء رده‌های خاصی از تسلیحات به منظور کاهش آلام غیر ضروری جنگ یا جلوگیری از آن است. برای مطالعه بیشتر نک به: جزوه درس دیپلماسی کنترل تسلیحات بیولوژیک؛ دکتر سید احمد میرزایی، دانشگاه مالک اشتر؛ ۱۳۹۰.

^۲ ظریف، سجاد پور. ص ۵۷۶.

بیولوژیکی و سمی سریعاً به نتیجه رسید و منجر به تدوین مقررات کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های بیولوژیکی گردید که در دسامبر ۱۹۷۱ از سوی مجمع عمومی تصویب شده. این کنوانسیون از تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ و بعد از این که ۲۲ کشور آن را امضا کردند، لازم‌الاجرا گردید؛ اما هرچند بیوتروریسم، یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدیدکننده کنترل عفونت، به حساب می‌آید^۱ اما تحلیل‌های موجود از این موضوع ناقض امنیت انسانی از منظر سیاسی دقیق و جامع نیست از همین رو نگارنده در نظر دارد در این کتاب بیوتروریسم را از دیدگاه سیاسی مورد تحلیل قرار داده و در نهایت بررسی نماید آیا اسناد بین‌المللی موجود همانند کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های بیولوژیک، کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون‌های ۱۳ گانه مقابله با تروریسم کفایت مقابله با بیوتروریسم را می‌نماید یا با توجه به ابعاد گسترده آن نیاز به تدوین مقررات مستقل دارد.

^۱ حسین حاتمی، اپیدمیولوژی بالینی و کنترل بیماری‌های مرتبط با بیوتروریسم، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۳۸۴.

مقدمه:

ترس از قرار گرفتن در معرض انواع بیماری‌ها دغدغه همیشه انسان در طول تاریخ بوده است. در این میان انسان‌های سلطه‌طلب با خلق و خوی حیوانی همیشه درصدد بهره‌برداری از عوامل مختلف برای تسلط و ضربه زدن به دیگران بوده‌اند. این‌گونه افراد با علم بر وحشت عمومی از بیماری‌ها و قدرت عوامل بیماری‌زا در فلج کردن جوامع همواره درصدد برآمده‌اند تا نهایت استفاده را از این عوامل جهت نیل به اهداف خود ببرند. با پیشرفت‌های حاصله در علوم ژنتیک و پزشکی این نگرانی و وحشت عمومی از بیماری‌ها تا حد زیادی برطرف شده است اما همین پیشرفت‌ها موجب برخی سوءاستفاده‌ها نیز گردیده است. سوءاستفاده از عوامل میکروبی زنده یا فراورده‌های آن‌ها یا به عبارت جامع‌تر، استفاده از عوامل بیولوژیک، به‌منظور ارباب یا هلاکت انسان‌ها و نابودی دام‌ها و گیاهان، جنگ نهانی است که بیوتروریسم نامیده می‌شود. هرچند بیوتروریسم، یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدیدکننده کنترل عفونت، به حساب می‌آید ولی واقعیت این است که افکار و اعمال بیوتروریسم همواره در اقوام مهاجم، افراد افزون‌طلب و رقبای سیاسی-اقتصادی از یک‌طرف و افکار، برنامه‌گزاران یا تلافی‌جویانه در افراد، ارتش‌ها، دولت‌ها و شخصیت‌های مورد تهدید، از طرف دیگر، از هزاران سال قبل وجود داشته و گاهی ظاهر افسانه‌گونه و باورنکردنی به خود گرفته است که همه این وقایع، حاکی از قدمت افکار و ندرتاً اعمال بیوتروریستی است؛ اما واژه بیوتروریسم و جنگ‌های تروریستی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. باورری که بودجه سالانه آمریکا برای مبارزه با این‌گونه اعمال جنایت‌کارانه به یک‌بارہ ده‌ها برابر شد.

تبلیغات گسترده‌ای که در این زمینه صورت گرفت موجب واکاوی و جست‌وجوی روزافزون مردم از این پدیده و به خطر افتادن سلامت روانی جوامع شده است. با این حال عده کثیری از مردم، هنوز بر این باورند که جنگ بیولوژیک، زائیده تخیلات نظامی است درحالی‌که امروزه، جریانات سیاسی و پیشرفت‌های بیوتکنولوژی، این باور را تغییر داده است. در برخی موارد بیوتروریست‌ها از عوامل بیماری‌زای گیاهی و حیوانی نیز برای به نابودی

کشاندن کشاورزی و دام‌پروری یک کشور استفاده می‌نمایند تا زیان‌های اقتصادی جبران‌ناپذیری را به کشورهای هدف تحمیل کنند. با وجود خطرات و صدمات جبران‌ناپذیر حملات بیوتروریستی بر روی جوامع مختلف، ترس و واکنش شدیدی که بر جامعه، بیماران، کارکنان بهداشتی و عموم مردم مستولی می‌شود بسیار وسیع‌تر از عواقب واقعی آن‌ها می‌باشد. پاسخ‌های روانی مردم حادثه‌دیده ممکن است به صورت وحشت، عصبانیت، نگرانی‌های بی‌مورد در مورد عفونت، ترس از سرایت بیماری، خیالات واهی، جدا شدن از اجتماع و نری آوردن به کارهای غیراخلاقی باشد. با توجه به وصفی که عنوان گردید و آثاری که از طریق انجام اعمال بیوتروریستی متوجه امنیت انسان‌ها گردد لازم است این مسئله از منظر سیاسی مورد تحلیل کامل قرار گرفته و بررسی گردد آیا با تدوین مقررات مناسب در به‌کارگیری روش‌های مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی و مقررات بین‌المللی مانند کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک و تعهد کشورها به عدم استفاده غیر صلح‌آمیز از بیوتکنولوژی، همچنین تدوین مقررات کنترل و بازرسی و تنبیه متجاوز و مهم‌تر از آن همکاری‌های علمی و فنی در بهره‌گیری از توانمندی‌های بیوتکنولوژی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه جهت رفع نیازهای آنان و کم کردن فاصله علمی، صنعتی و اقتصادی در بین کشورهای جهان راه حل مناسب جهت پیشگیری از این مخاطرات است.